

به نام خدا

خلاصه کتاب «حضور زنان در ورزشگاهها- پژوهشی فقهی»

حجت الاسلام جواد فخار طوسی

بحث حضور زنان در ورزشگاهها مدت هاست که محل گفتگوست. عوامل و اسباب گوناگونی دست به دست هم داده تا این کشمکش در اندک زمانی از سطح جامعه و مدیران اجرایی بخشهای مرتبط به محافل فکری و علمی برسد. این گونه موضوعات، مباحث نظری محض و فارغ از جنبه‌های عملی و عینی نیستند. حوزه عمل در این مسائل نیز شخصی و فردی نمی‌باشد. وجود آثار کاربردی و عملی از یک سو و ظهور و جلوه آن در سطح اجتماعی و کلان از دیگر سو، در شمار عواملی است که بحث و گفتگو در این حوزه را جدی و دامنه‌دار می‌سازد.

موضوع حضور زنان در ورزشگاهها ابعاد مختلفی دارد اما اصلی‌ترین و تعیین‌کننده‌ترین عامل احکام مسائل زنان است. بر این پایه، برجستگی نقش دین با وضوح هر چه بیشتری خود را می‌نمایاند.

به همین منظور، مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری سفارش پروژه‌ای را با عنوان «حضور زنان در ورزشگاهها- پژوهش فقهی» به پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم جهت اقدامی عملی برای حل این مساله داد. این پژوهش، توسط حجت الاسلام جواد فخار طوسی انجام شد. خلاصه‌ای از این پژوهش، ارائه می‌شود.

حضور زنان در ورزشگاه‌ها در کنار مردان چه حکمی دارد؟ این پرسش اصلی تحقیق حاضر است که پاسخ گویی به آن سرنوشت بحثی پردامنه را معین خواهد ساخت. در ذیل این سوال کلان، سوالات جانبی شکل می‌گیرد که مسیر پژوهش را روشن می‌سازد.

کتاب «حضور زنان در ورزشگاه‌ها- پژوهشی فقهی»، دارای **دو بخش** است. **بخش اول** با عنوان «حکم اولی حضور زنان در ورزشگاه‌ها» در **دو فصل** «دلایل ممنوعیت» و «دلایل مجاز بودن» تنظیم شده است.

در **فصل اول بخش اول کتاب**، مبتنی بر رویکرد منفی به حضور زنان در ورزشگاه‌ها، به دلایلی استناد شده است.

دلیل اول، آیات و روایاتی است که به ظاهر، خارج شدن زنان را از منازل به طور کلی ممنوع یا ناپسند می‌شمارد. آیات ۳۳ و ۵۳ سوره احزاب و نیز بخشی از روایات با مضمون توصیه به خانه‌نشینی زنان و حبس آنان در منازل در زمره این ادله می‌باشند. در حالی که آیات ۳۳ و ۵۳ سوره احزاب در بردارنده احکامی ویژه و مختص به همسران رسول خدا(ص) هستند. متن این آیات را نمی‌توان شامل همه زنان دانست. روایات خانه‌نشینی زنان نیز، پس از نقد سند روایتی که به حبس زنان اشاره نموده است، چیزی بیش از توصیه به حفظ و مراقبت از زنان را بیان نمی‌کند. پاره‌ای از این روایات نیز به وضعیت اجتماعی خاص بعضی از مناطق آن روزگاران پرداخته است. این روایات متضمن حکم کلی نیست.

دلیل دوم، ممنوعیت اختلاط زن‌ها و مردهاست. کسانی که به این دلیل استناد جسته‌اند، اختلاط را به معنایی گسترده تفسیر کرده‌اند. در این تفسیر، هرگونه حضور هم‌زمان مردها و زن‌ها در کنار یکدیگر مصداق اختلاط شمرده می‌شود. ممنوعیت اختلاط، فاقد مستند قرآنی است. بر خلاف تصور استدلال‌کنندگان، در روایات، اختلاط توأم با التذاذ جنسی و تحریک شهوت مدنظر بوده است. نمی‌توان از این روایات سیاستی اجتماعی- مبتنی بر محدود سازی ارتباطات زنان و مردان - برداشت نمود. نظر اسلام محدود ساختن شهوترانی و التذاذ جنسی به محیط خانه است؛ همین و بس. کسانی که به گونه دیگری فکر می‌کنند نمی‌توانند سلیقه‌های شخصی خود را به اسلام پیوند بزنند.

در فصل دوم بخش اول کتاب مبتنی بر رویکرد مثبت به حضور زنان در ورزشگاه‌ها به دلایل زیر استناد شده است.

قاعده اباحه نخستین دلیلی است که پس از نقد و رد دلایل ممنوعیت، و به منظور اثبات مجاز بودن، قابل ذکر است. مفاد این اصل - که مورد پذیرش اکثریت علمای شیعه می‌باشد - مجاز بودن ارتکاب اعمالی است که دلیلی برای ممنوعیت آن وجود ندارد. حضور خانم‌ها در مکان‌هایی مثل ورزشگاه، یک «کنش»، و مشمول قاعده اباحه به شمار می‌آید. هنگامی که هیچ دلیل شرعی برای ممنوعیت یا مکروهیت حضور زنان در ورزشگاه‌ها در دست نیست، مراجعه به همین اصل بنیایی ما را از اقامه هر دلیل دیگری بی‌نیاز می‌سازد.

دلیل دوم، استناد به حقوق طبیعی است. یکی از حقوق اولیه و طبیعی آدمی، حق آزادی رفت و آمد و حضور در هر مکان دلخواه می‌باشد. به استناد حق طبیعی و اولی آزادی، حکم اولی شرع در زمینه حضور بانوان در ورزشگاه‌ها جواز است.

سومین دلیل، گزارش‌های فراوانی است که مناسبات آزادانه زن‌ها و مردها را در زمان پیامبر اکرم (ص) و نیز امامان معصوم (ع) نشان می‌دهد. تفکیک و جداسازی و سخت‌گیری‌هایی که امروزه در میان برخی متدینان مرسوم و متداول است با آنچه در عهد پیامبر (ص) و معصومین (ع) متداول بوده، سازگاری ندارد.

چهارمین و آخرین دلیل، «سیره متشرعه» است. برخلاف آنچه در نگاه ابتدایی به نظر می‌رسد، سیره مبتنی بر ممنوعیت و محدودیت حضور زنان در اجتماعات مردانه نیست. شواهدی در دست است که وجود سیره خلاف این تلقی را ثابت می‌سازد. این شواهد، یک به یک نقل و توضیح داده می‌شود.

بنابراین نتیجه به دست آمده از بخش اول کتاب این است که با در نظر گرفتن ذات موضوع (یعنی حضور زنان در ورزشگاه‌ها)، بدون توجه به عناوین جانبی، حکم اولی شرعی این مساله، مباح بودن و مجاز دانسته شدن است. براین پایه:

بانوان می‌توانند در ورزشگاه‌ها به عنوان تماشاگر و در کنار مردان حاضر باشند.

بخش دوم کتاب با عنوان «حکم ثانوی حضور زنان در ورزشگاه‌ها» در **دو فصل** «عناوین ثانویه‌ای که می‌تواند حضور زنان را در ورزشگاه ممنوع سازد» و «عناوین ثانویه‌ای که می‌تواند حضور زنان را در ورزشگاه الزامی سازد» تنظیم شده‌است. در واقع در بخش دوم کتاب، به موضوع حضور زنان در ورزشگاه‌های دارای شرایط ویژه و خاص می‌پردازیم.

در **فصل اول بخش دوم کتاب**، هفت عنوان ثانوی که می‌تواند مورد استناد مخالفان حضور بانوان در ورزشگاه‌ها قرار بگیرد عبارت‌اند از: ۱. برهنه بودن بدن ورزشکاران در بعضی از ورزش‌ها؛ ۲. خشن بودن بعضی از مسابقات ورزشی؛ ۳. رفتارهای ناهنجار و زشت برخی تماشاگران مرد؛ ۴. فسادآمیز بودن حضور در این گونه اماکن؛ ۵. شئون اسلامی زن مسلمان؛ ۶. مقابله با فرهنگ غربی و وارداتی؛ ۷. کمک به گناه.

در نقد استدلال عنوان اول، گفته شد طبق آن، نگاه زن به بخش‌هایی از بدن مرد ممنوع است که پوشاندن آنها وظیفه مرد است. وظیفه مردها چیست؟ جواب روشن است؛ مردها فقط به پوشاندن شرمگاه (پشت و پس) وظیفه دارند. افزون بر آن، می‌توان به استناد عنوان «غض بصر»، نگاه ممنوع را به معنای نگاه جنسیتی دانست.

عنوان دوم: خشن بودن بعضی مسابقات ورزشی

بعضی ورزش‌ها خشن و دربردارنده صحنه‌هایی است که مشاهده آنها بر روح و اعصاب تماشاگر تاثیرات منفی می‌گذارد. فرض بحث آن است که سطح تاثیرات مزبور در مورد زنان عمیق‌تر و عواقب آن، وخیم‌تر از مردان است. دلیل فقهی عامی که به آن استناد جسته می‌شود، ممنوعیت اضرار (آسیب رساندن) به خویش می‌باشد. این دلیل را نمی‌پذیریم. آسیب‌رساندن به بدن، تنها در صورت داشتن آثار جدی و وجود رابطه علی و معلولی بین عمل و اثر ممنوع است. در صورت جزئی بودن اثر یا نبود رابطه علی و معلولی، نمی‌توان ممنوع بودن عمل را پذیرفت.

عنوان سوم: رفتارهای ناهنجار و زشت برخی از تماشاگران مرد

گروهی از مردان عادت دارند که در جریان تماشای مسابقات ورزشی علیه تیم حریف یا تماشاگران آن، شعارهای زشت سر دهند. خیلی مواقع این شعارگویی‌ها با رفتار ناپسند و هنجار شکنانه همراه می‌باشد. حضور زنان در محیطی که مردان دست به چنین رفتار و گفتار ناپسند و دور از هنجاری می‌زنند، به سلامت بانوان لطمه می‌زند.

نمی‌توان با استناد به ادله نفی ضرر، حضور زنان را در ورزشگاه‌ها ممنوع شمرد؛ هرچند احتمال ایراد ضرر از ناحیه مردها وجود دارد. ادله نفی ضرر، اگر ضرر و زیان از سوی شخصی دیگر متوجه شده باشد، به رفع منشأ ضرر و جلوگیری از ادامه آن توصیه می‌کند. اگر بخواهیم از راه قاعده لاضرر پیش آمده و مبتنی بر آن، مقابله با عامل ضرر را توصیه نماییم، در مورد بحث‌ها باید از حضور مردها در ورزشگاه‌ها ممانعت به عمل آورد نه بانوان.

عنوان چهارم: فساد انگیز بودن حضور زنان در ورزشگاه‌ها

فضای حاکم بر ورزشگاه‌ها، معمولاً با کف‌زدن، پایکوبی، نواختن آلات موسیقی، شادی و هیجان و... همراه است. چنین وضعیتی سبب پیدایش یک عنوان ثانوی دیگر در جنب عناوین یادشده می‌گردد؛ «فساد انگیز بودن». علت پیدایش این عامل هم روشن است: «تحریک شهوت». اما استدلالی که بر پایه عنوان فسادآمیز بودن اماکنی مثل ورزشگاه‌ها و با استناد به شهوانی بودن فضای این گونه مجالس شکل گرفته است، به شدت مخدوش می‌باشد. حضور در مجالس شادی و سرور به خودی خود ملازم و مساوی با تحریک شهوت نیست.

عنوان پنجم: شئون اسلامی زن مسلمان

موضوع شئون زن مسلمان در فتاوی فقها به خصوص گروهی از علمای معاصر، مورد توجه و مبنای بعضی از توصیه‌ها قرار گرفته است.

اما با تمسک به این عنوان نیز نمی‌توان حضور زن‌ها را در ورزشگاه ممنوع شمرد. اگر مقصود از شأن زن مسلمان، باید و نبایدهایی است که در شریعت توصیه گردیده است، منحصراً مواردی را دربرخواهد گرفت که دلیل معتبر شرعی پشتوانه باید یا نباید باشد.

عنوان ششم: مقابله با فرهنگ غربی و وارداتی

در کشورهای غربی حضور زنان در ورزشگاهها امری عادی محسوب می‌شود. این رفتار از دل فرهنگ بیگانه به سایر کشورها رسوخ کرده است. دلیل فقهی که می‌تواند پشتوانه ممنوع شمردن اقدامات و رفتارهای مورد بحث قرار گیرد، قاعده «نفی سییل» است که هر حکمی را که موجب تسلط و برتری کفار بر مسلمانان گردد نفی می‌نماید. قاعده نفی سییل نمی‌تواند پشتوانه ممنوع شمردن حضور بانوان در ورزشگاهها گردد. مواردی که فقها به این قاعده استدلال نموده‌اند، روشن می‌گرداند که مقصود از نفی سییل، صرفاً کارهایی است که با تسلط و برتری و ایجاد ولایت کفار، رابطه علت و معلولی داشته باشند. حضور زنان در ورزشگاهها مصداق این امر نیست.

عنوان هفتم: کمک به گناه

تطبیق دلیل اعانت بر اثم در مورد محل بحث بیان می‌دارد که حضور بانوان در ورزشگاههای مختلط، ممکن است موجب به گناه افتادن مردان شود. این حضور به عنوان مصداق اعانت بر اثم نارواست. استدلال نمودن با دلیل اعانت بر اثم مورد اشکال می‌باشد. برای اینکه اعانت بر اثم صادق باشد وجود پاره‌ای از شرایط ضرورت دارد. کاری که به آن اعانت می‌گردد، باید گناه باشد تا اعانت بر اثم منطبق شود. نیز باید کار شخص مُعین (کمک کننده)، با قصد پیدایش حرام به دست دیگری صورت پذیرد. حضور زنان در ورزشگاهها نمی‌تواند مصداق اعانت بر اثم به شمار آید. نه مردانی که در ورزشگاه حاضر می‌شوند به قصد گناه به آنجا می‌آیند و نه زنان با قصد کمک به گناه مردها نمی‌آیند!

در فصل دوم بخش دوم کتاب نیز نشان داده می‌شود که عناوین عارضی مثبت همچون نقش این حضور در مقابله با آسیب‌های اجتماعی و سالم سازی محیط‌های ورزشی، هیچ‌گونه تاثیری در حکم شرعی ندارد. در نتیجه:

حکم اولی شرعی یعنی مجاز بودن حضور زنان در ورزشگاهها با هیچ استثنایی رو به رو نمی‌گردد و

تایید می‌شود.

در مباحث فقهی که پای احکام اجتماعی در میان است، پس از به دست آوردن حکم شرعی، می‌بایست از زاویه عملی نیز به موضوع نگاه نمود. همچنین باید زمینه‌های اجرایی حکم شرعی واکاوی شود.

بر این پایه است که مجاز بودن حضور زنان در ورزشگاه‌ها (به عنوان یک حکم شرعی اجتماعی) نگاه را به سوی وظایف دولت معطوف می‌سازد. آیا دولت وظیفه‌ای در این زمینه دارد؟ اگر پاسخ مثبت است، وظیفه دولت چیست؟ در این گونه احکام، که حقی متعلق به یکی از گروه‌های اجتماعی به اثبات می‌رسد، دولت دو وظیفه مشخص ایجابی و سلبی دارد.

بلحاظ ایجابی، دولت در زمینه حضور بانوان در ورزشگاه‌ها - که در شمار حقوق آنان است - موظف به انجام اقدامات ایجابی است؛ اقداماتی از قبیل «وضع و اصلاح قوانین، مقررات و آیین‌نامه‌های اجرایی»، «تجهیز ورزشگاه‌های موجود به وسایل و امکاناتی که حضور زنان را آسان و عملی سازد»، «ایمن‌سازی محیط‌های ورزشی» و بالاخره، «ساخت و احداث ورزشگاه‌های جدید و مدرن» که بتواند پذیرای حضور زنان تماشاگر (در کنار مردان) باشد. انجام این اقدامات، مصداق بارز حمایت از حقوق به معنای گفته شده است.

به لحاظ سلبی دولت اسلامی باید قوانین و مقرراتی را که بر مبنای آن زنان را از حضور در ورزشگاه‌ها محروم می‌سازد، ابطال نماید. گاه، اعمال این گونه محرومیت‌ها در مورد زنان، مقتضای حفظ حرمت آنان شمرده می‌شود. در حالی که حفظ حرمت، به معنای رساندن حق به صاحبش همراه با پاس داشت مرتبت و موقعیت اوست. محروم ساختن شخص از حقش و دور نمودن او از امکانات عمومی، با حفظ حرمت وی فاصله بسیار دارد.

امروزه در کشورهای پیش رفته در همه مواردی که حضور محترمانه زنان با بعضی دشواری‌ها و موانع روبه‌رو می‌باشد، اقدامات دولت مردان و مدیران جامعه، معطوف به حفظ حقوق زنان و برطرف ساختن موانع است. بار دشواری‌ها و مشکلات را دولت و حکومت بر دوش می‌گیرد، نه آنکه با انتخاب ساده‌ترین راه‌ها، صورت مساله را پاک نمایند. محدودسازی زنان و جلوگیری از دستیابی آنها به حقوقشان آسان‌ترین راه‌حل است.

متن کامل این پژوهش فقهی، طی روزهای آینده منتشر می‌شود و نشستی تخصصی با حضور صاحب‌نظران این

حوزه، با هدف نقد پژوهش مذکور در محل مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری برگزار می‌گردد.

همچنین مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری، از پژوهشگران، محققان و عالمان دینی دعوت می‌کند ضمن

مطالعه این پژوهش فقهی، نظرات و نقدهای خود را از طریق این لینک ارائه و ارسال کنند.